



موضوع عدم تخصیص ارز که سال گذشته بخش‌هایی مثل دارو را درگیر کرده بود از یک سو و سیاست رفع تعهد ارزی و فشار به صادرکنندگان از سوی دیگر، فعالان اقتصادی را در تنگنا قرار داده است.

بانک مرکزی به قصد جلوگیری از رشد قیمت‌ها، ارز ارزان را به واردات اختصاص می‌دهد اما سال‌ها تجربه این سیاست نشان می‌دهد که این راه‌حل جلوگیری از گرانی نیست و ارز حمایتی به جای مصرف‌کننده به جیب افراد واسط و عده‌ای قلیل در میانه زنجیره می‌رود. با این حال تصمیم‌گیران پولی کشور همچنان بر اجرای این سیاست‌های حمایتی وارونه اصرار دارند.

فرداً قطعاً عقب‌نشینی خواهد کرد اما دود آن به چشم کشور و صادرکننده می‌رود چون مدیران که خسارتی پرداخت نمی‌کنند و این مردم هستند که از سوءتدبیرها دچار خسارت می‌شوند. دولت حتماً باید به این سمت تک‌نرخی کردن ارز و اصلاح نظام پیمان‌سپاری برود اما متأسفانه وقتی این کار را انجام می‌دهد که صادرکنندگان معتبر و شناخته‌شده از بین رفته و صادرات بدون شناسنامه، بدون پشتوانه و صادرات غیرواقعی جای آن را گرفته است و کم‌اظهاری و عدم شفافیت رواج پیدا کرده و سیستم را به هم ریخته است، آن زمان است که دولت به سیاست غلط خود اعتراف خواهد کرد و رویه را اصلاح می‌کند. من نمی‌دانم چه زمانی این اتفاق خواهد افتاد و نمی‌دانم نقطه گسیختگی این سیاست کجاست اما حتماً رخ خواهد داد. به‌هرحال کشور را باید با درآمد‌های ناشی از صادرات حفظ کرد و به جز ارز ناشی از مبادلات چیز دیگری وجود ندارد.

متوقف شده چون مفهوم صادرات ریالی بی‌معنی شده است، اگر هم وجود دارد به‌صورت غیررسمی کار می‌کنند.

در مورد صنایع غذایی و صنعت بسته‌بندی نیز بالا رفتن هزینه‌های ارز مشکلاتی را در بیمه و حمل و نقل به وجود آورده است. همچنین بالا رفتن هزینه مبادله و جابه‌جایی از بین کشورها و در نهایت گرفتاری برگرداندن ارز در زمان مناسب و فروش با قیمت غیرواقعی به بازار ارز متشکلی که بانک مرکزی به آن اشاره دارد، انگیزه‌ها و توان فعالیت صادراتی را کاهش داده است.

در حوزه صادرات میوه نیز صادرکنندگان فراوانی در این عرصه داشتیم اما از آنجایی که بازرگاندان ارزها و فروش آن دشوار شده و قیمت مناسبی در مقابل هزینه‌ها ندارد، از این کار خارج شده‌اند. در حوزه‌های بازرگانی و افرادی که فقط کار صادرات را انجام می‌دادند و بازرگانان این کار بودند، با توجه به محدودیت‌هایی که در زمینه تمدید کارت‌های بازرگانی مواجه شدند و تسویه حساب‌هایی که باید انجام دهند، در کنار گرفتاری‌های تعامل با بانک مرکزی، باعث شده از این کار فارغ شوند یا سرمایه خود را درگیر فعالیت‌های دیگری کنند و یا این سرمایه را از کشور خارج کنند. به نظر من نتیجه این اتفاقات و اقدامات نشانه‌های خود را در کسری تراز تجاری سال گذشته نشان داد و فکر می‌کنم اگر همین مسیر را در آینده نیز ادامه دهیم حتی بدتر از آن را در سال ۱۴۰۳ تجربه خواهیم کرد.

فرشید شکرخدايي، به‌عنوان رئيس کمیسیون سرمایه‌گذاری و تامین مالی اتاق ایران، به سیاست‌های بانک مرکزی در خصوص تخصیص ارز اعتراض دارد و وزارتخانه‌های صمت و جهادکشاورزی را نهاد‌های بهتری در این خصوص می‌داند. او در گفت‌وگو با «هم‌میهن» عنوان کرده که دولت و بانک مرکزی همه چیز را تنها برای خود مباح می‌داند و چون نمی‌تواند نفت بفروشد و دلار کم دارد به دلار بخش خصوصی دست‌درازی می‌کند و در حقیقت حقوق مالکیت را زیر سوال می‌برد. شکرخدايي گفته سازمان توسعه تجارت باید تخصیص ارز را مدیریت کند چراکه بانک مرکزی نیازهای تولید را نمی‌داند.

❧ سیاست‌های بانک مرکزی درباره دلار ۴۰ هزار تومانی چه اثراتی بر صادرات داشته است؟

اینکه بخواهیم از صادرکننده یارانه بگیریم و آن را به واردات بدهیم، سیاستی است که تلاش می‌کند مصرف‌کننده را حمایت کند و منطق سیاستگذار این است که صادرکننده خصوصی مرفه‌بی‌درد است و اگر صادرکننده پتروشیمی باشد به او یارانه داده‌ایم اما در نهایت باز می‌بینیم که کالا با دلار ۶۵ هزار تومان به دست مردم می‌رسد و مثلاً آن موبایل فروش با قیمت روز دلار، آن را به مصرف‌کننده می‌فروشد بنابراین یک رانت بزرگ که مابه‌التفاوت دلار ۴۰ هزار تومانی و ارز بازار آزاد است بین دریافت‌کنندگان ارز توزیع می‌شود و مصرف‌کننده نهایی هیچ نفعی از دلار ۴۰ هزار تومانی به سفره او وارد نمی‌شود مگر در نهادهایی مانند وزارت جهادکشاورزی که سامانه ایجاد کرده و خوراک دام می‌دهد که تأثیر زیادی نیز در قیمت گوشت و تخم‌مرغ نداشت. این فرضیه که از صادرکننده دلار ارزان بگیریم و به واردکننده بدهیم تا سطح عمومی قیمت کالاهایی که به تولید می‌دهیم پایین بیاید، رد شده است. وقتی تولیدکننده کالای واسطه‌ای را دریافت می‌کند در نهایت آن را به قیمت روز می‌فروشد و به این شکل صادرات خود را تضعیف می‌کنیم و هیچ رفاهی نیز به واردکننده نمی‌دهیم بلکه فقط به تعدادی دلال که بین واردکننده اصلی و مصرف‌کننده نهایی هستند سود می‌رسانیم.

من بررسی کردم و دیدم اگر مثلاً کالایی با قیمت ۱۰۰۰ تومان دربیاید، واردکننده آن را حدود ۱۳۰۰ تومان می‌فروشد اما وقتی وارد بازار می‌شود به قیمت ۴۰۰۰ تومان به مغازه‌دار می‌رسد و او آن را ۱۶ هزار تومان به مصرف‌کننده نهایی می‌فروشد. این یعنی چیزی از آن دلار ۴۰ هزار تومان عایدی واردکننده و توزیع‌کننده و مصرف‌کننده نهایی نمی‌شود. اگر بگذارند مکانیسم بازار به درستی کار کند و خلاصاً را با جذابیت تولید پر کنند و صادرات را تقویت کنند اتفاقات خوبی می‌افتد. نباید از صادرکننده گرفت و به واردکننده داد بلکه باید از واردکننده گرفت، تعرفه گذاشت و به صادرکننده داد تا تا ارز وارد کشور شود. به عقیده ما دلار باید تک‌نرخی شود و آن هم نرخی که بازار مشخص کند. بانک مرکزی می‌گوید دلار بازار آزاد را قبول ندارد اما در حراج سکه که چندی پیش صورت گرفت معامله دلار و سکه با نرخ آزاد انجام شد، چطور بانک مرکزی سکه را با دلار ۴۰ هزار تومانی نمی‌فروشد؟ چطور برای مردم حرام است و برای بانک مرکزی حلال؟

یا دولتمردان در جلسات اعلام می‌کنند نباید کالای خام صادر کرد و باید به آن ارزش افزوده داد اما سوال اینجاست که چطور صادرات کالای خام فقط برای صادرکننده غیرمجاز است درحالی‌که خود دولت نفت خام صادر می‌کند، دولت تنها همه چیز را برای خود مباح می‌داند.

اینجا چالش‌های ما با دولت است، متأسفانه آنها آن چیزی را که کم دارند از دیگران تمنا که نه، دستور می‌دهد که به او بدهند.

دولت چون نمی‌تواند نفت بفروشد و دلار کم دارد به دلار بخش خصوصی دست‌درازی می‌کند و با این کار حقوق مالکیت را زیر سوال می‌برد. طبق قانون و شریعت هر فردی هر مالی که دارد برای خود اوست، دلار هم مال صادرکننده حساب می‌شود اما دولت می‌گوید باید آن را به من

نگاه فعال اقتصادی / ۳

فرشید شکرخدايي رئيس کمیسیون سرمایه‌گذاری و تامین مالی اتاق ایران:

سازمان توسعه تجارت تخصیص ارز را مدیریت کند

بدهید بنابراین کار دولت از لحاظ اینکه هر کس بر مال خود اختیار دارد، مشکل شرعی دارد. دولت مدعی است چون به صادرکننده و واردکننده یارانه می‌دهد پس دلار برای آنهاست که این سوال پیش می‌آید که مثلاً تولیدکننده زعفران چه یارانه‌ای می‌گیرد؟ حرف ما با دولت این است که کالاهایی که رایانه سنگین می‌دهد را وادار کند ارز خود را به نسبت یارانه‌ای که گرفته‌اند (نه همه دارایی که دارند) وارد سامانه نیما کنند و اگر فردی از یارانه استفاده نمی‌کند ارز نیز برای خودش است. دولت همه مبنای را زیر سوال برده بعد معترض هستند که چرا هیچ‌کس سرمایه‌گذاری نمی‌کند، دلیل مشخص است چون امنیت سرمایه‌گذاری وجود ندارد. متأسفانه دوستان زورشان زیاد است و می‌گویند چون بانک مرکزی برای ماست برای مال دیگران تصمیم می‌گیریم. این را هم انصافاً بگوییم، به تازگی آقای خاندوزی وزیر اقتصاد قانع شده‌اند که کدکالاهایی که یارانه ندارد را از شمول تعهد ارزی خارج کنند که به نظر ما به شدت باعث تحرک بخش خصوصی خواهد شد. آقای خاندوزی قول داده که در همین ماه اردیبهشت این کار را انجام دهد و کدتعرفه‌هایی را صادر کند که یارانه در آنها بسیار اندک خواهد بود.

❧ سیاست‌های رفع تعهد ارزی دیگری نیز بوده که امسال تغییر کرده باشد؟

تا آنجا که من خبر دارم سیاست‌های رفع تعهد ارزی تنها بر روی کالاهایی است که حداقل یارانه را استفاده می‌کنند، به‌هرحال پول صادرکننده باید وارد کشور شود، اگر صادرکننده ارز را وارد کشور نکند چطور کالای بعدی را بخرد؟ صادرات که یک‌بار مصرف نیست و یک خرچه طولانی است اما دولت ادله دارد که صادرکنندگان یک‌بار مصرف وجود دارد که یک بار کار می‌کنند اما ما توضیح دادیم که اتاق بازرگانی فعالان اقتصادی را می‌شناسد و خود دولت بود که بعد از ۱۰ سال رتبه‌بندی اتاق را تعطیل کرد. به‌هرحال ما نیز در حال چانه‌زنی هستیم و امیدواریم دولت امسال با همکاری کند تا تراز صادرات کشور بهبود پیدا کند.

❧ سیاست‌های تخصیص ارز بانک مرکزی تغییر کرده است؟

ما اعتقاد داریم سازمان توسعه تجارت باید تخصیص ارز را مدیریت کند چراکه تعرفه‌ها، نیازهای کشور و نیازهای تولید که به بانک مرکزی نمی‌رود بلکه وزارت صمت است که می‌داند چه کالایی در بازار وجود دارد یا خیر، یا مواد اولیه تا دو ماه دیگر در چه صنایعی کم خواهد شد. بنابراین برای اینکه چراغ تولید روشن بماند بهتر است سازمان توسعه تجارت آن را مدیریت کند. ما به مدیریت تخصیص ارز توسط دولت قائل هستیم، و فکر می‌کنیم کمیته‌ای متشکل از وزارت صمت، بخش خصوصی، تشکل‌های تخصصی و اتاق بازرگانی می‌توانند این موضوع را ساماندهی بهتری کنند اما بانک مرکزی اصرار دارد که چون ارز در دست من است من هم باید آن را تخصیص دهم، من شفاف می‌گویم به نظر من پشت این موضوع یک فساد سیستماتیک وجود دارد چون بالاخره در تخصیص ارز رانت وجود دارد و شواهد هم این را نشان داده است و دیدیم که از درون آن چای دیش درآمد و بانک مرکزی هم نمی‌تواند آن را انکار کند.

ما به‌عنوان بخش خصوصی متوجه این موضوع هستیم که ارز کم است و نمی‌توانیم برای همه گونه واردات از آن استفاده کنیم و مطمئن باشید بخش خصوصی نسبت به مردم ایران دلسوزتر از دولتمردان هستند. ما فقط انتظار داریم در تصمیمات از ما نیز مشورت بگیرند، انصافاً آقای خاندوزی، وزیر اقتصاد و آقای علی‌آبادی، وزیر صمت در این زمینه بسیار تلاش می‌کنند که تخصیص ارز به وزارتخانه‌ها برود اما بانک مرکزی جلوی آنها ایستادگی می‌کند، به‌هرحال بانک مرکزی از تولید سر در نمی‌آورد اما وزارت صمت و وزارت جهادکشاورزی مدافعان صنعت و کشاورزی هستند و بهتر می‌توانند ارز را تخصیص دهند.



فعالان خصوصی



کاهش تولید ماهی قزل‌آلا

سال گذشته ۱۳۰ میلیون قطعه تخم ماهی قزل‌آلا وارد شد که امسال ۱۵ میلیون قطعه کاهش داشته است که براین اساس تولید ۸ تا ۱۰ هزار تن کمتر خواهد بود. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، آرش نی‌زاده، مدیرعامل اتحادیه ماهیان سردآبی گفت: سال گذشته ۱۱۵ تا ۱۲۰ هزار تن قزل‌آلا تولید شد که امسال پیش‌بینی می‌شود تولید به ۱۰۵ تا ۱۱۰ هزارتن برسد که کاهش تولید بازار قزل‌آلا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. او درباره وضعیت صادرات قزل‌آلا ابتدایی سال رونقی ندارد و از ماه تیر و مرداد، صادرات آغاز می‌شود. نی‌زاده با بیان اینکه امکان تامین تخم چشم‌زده و بی‌نیازی از واردات وجود دارد، گفت: گرچه امکان تامین نیاز کشور در داخل وجود دارد، اما پایین بودن کیفیت تخم چشم‌زده داخلی موجب شده تا تولیدکنندگان رغبتی به خرید نداشته باشند.



محتکران زعفران را اداره می‌کنند

دلالت زعفران به گرانی دامن می‌زنند و هیچ نهادی هم نظارت نمی‌کند که محتکرینی که چندین تن زعفران را در انبارهای خود دارند و بازار را اداره می‌کنند، چرا اینگونه عمل می‌کنند. به گزارش ایلنا، علی حسینی، عضو هیئت‌رئیس شورای ملی زعفران گفت: بسا وضعیت کنونی بازار زعفران هیچ منفاعی به کشاورز نمی‌رسد، زیرا افرادی که زعفران را به این شکل از کشاورزان و با ثمن بخش خریداری می‌کنند درواقع نه کشاورز، نه فروشنده، نه صادرکننده این کالا و نه حتی خراسانی هستند اینان برخی افراد گمنام هستند که با پول سیاه، بادآورده و کثیف زعفران را در انبارهای خود جمع‌آوری کرده و اکنون عوامل این افراد آرام‌آرام این محصولات را با قیمت‌های نجومی وارد بازار می‌کنند و اینگونه القا می‌کنند که زعفران در بازار دچار کمبود و کساد شده است. او افزود: کشاورز ۶ ماه پیش زعفران را به قیمت بسیار ارزان یعنی هر کیلو ۳۰ میلیون تومان به کسانی که با پول‌های بادآورده تجارت می‌کنند، فروخته‌اند و آنها همان زعفران را با نرخ هر کیلو ۱۱۰ میلیون بفروش می‌رسانند.



بازار غیرملمتهب ارز و طلا

با توجه به اینکه فضای جهانی مقداری متشنج شده است، سخت می‌توان پیش‌بینی آینده ارز و طلا در کشور را داشت اما اگر اتفاق خاصی رخ ندهد دلیلی برای التهاب بازار و افزایش قیمت وجود ندارد، به گزارش ایستا، عباس مسعودی: عضو هیئت‌مدیره اتحادیه فروشندگان و سازندگان طلا و جواهر تهران عنوان کرد: عده‌ای معتقدند که احتمال تشدید تنش‌های سیاسی و نظامی وجود دارد، در نتیجه این گروه افزایش نرخ ارز و طلا را متصور هستند، اما عده کثیری از تحلیل‌گران معتقدند که «بحران‌ها توسط سیاست‌مداران قابل کنترل است»، در نتیجه این افراد روند بازار ارز و قیمت طلا را نزولی می‌بینند. او افزود: به‌صورت مقطعی بازار ارز و طلا تحت تأثیر هیجانات و عوامل روانی قرار گرفته و اگر هیجانات و عوامل روانی فروکش کند، مسلماً شاهد کاهش نرخ ارز و طلا در کشور خواهیم بود. در حال حاضر بسیاری از هیجانات کاذب است زیرا که شاخص‌های اقتصادی خبر از بهبود شرایط اقتصاد کشور و افزایش درآمد‌های ارزی کشور می‌دهند، اما هیجانات و عوامل روانی عکس این موضوع را برقرار می‌کند.